

تا زمانیکه دامن جامعه ما از اوهام و خرافات پاک نشود

جامعه ایرانی راهی به رشد و آزادی نخواهد داشت

نامه سرگشاده خدمت خانم/خواهر /حاجیه/همشیره ثریا شهسواری

با تقدیم عرض احترام چون نمیدانستم که شما را با چه عنوانی خطاب کنم امکاناتی که بنظرم میرسید معروض داشتم هر کدام را صلاح میدانید انتخاب بفرمائید مورد قبول است.

در زمینه کتاب شما زیر نام «اسناد و فعالیت بهائیان دوران محمدرضا شاه»

این کتاب تشکیل شده از دو بخش مشتمل بر ۵۲۲ ص یکی مدخل پژوهشی در ۱۵۵ ص و مابقی اسناد و منابع و عکسها میباشد. این کتاب را دقیقاً مطالعه کردم.

مقدمتاً خدمت شما به عنوان یک خیرخواه عرض میکنم که این اثر کلاً بی محتوا، نتیجه گیری ها نادرست و اسناد بی اعتبار میباشد. شما حتی در ذکر وابستگی های فامیلی دچار اشتباهات فاحش شده اید مانند یحیی دولت آبادی که فرزند هادی دولت آبادی است او را برادر وی نامیده اید و یا احمد راسخ که پدر شاهپور راسخ است او را نیز برادرش مرقوم فرموده اید بدین ترتیب شما اصل مدارک را ندیده اید و با احتمال زیاد به شنیده های شفاهی از منابع ناآگاه اکتفا فرموده اید. این روش هیچ ربطی به یک تحقیق تاریخی و علمی ندارد با مطالعه اسناد یاد شده از کتاب شما آیا بهتر نبود که تیتراژ کتاب را بنام اسناد فعالیت بر ضد بهائیان در دوره محمدرضا شاه مینامیدید؟ با مدارک ارائه شده از طرف شما همخوانی دقیق تری داشت. شاید در شرایط بد اقتصادی فعلی ایران شما ناچار به کار هستید و از این نظر بشما ایرادی نیست. بهر جهت هر شخصی باید از راهی امرار معاش کند ولی اگر قصد کار تحقیقی دارید باید حداقل به مدارک اصل مراجعه کنید. نه یک سری ردیه هایی که به آئین بهائی نگاشته شده اند و از هرگونه ارزش علمی ساقط می باشند. حال از شما سوال میکنم آیا اگر محققى بخواهد راجع به دین مبین اسلام تحقیقاتی بکند باید به ردیه هایی که مسیحیان بر اسلام نوشته اند مراجعه کند و به عنوان اسناد یاد کند؟ و یا اگر شخصی بخواهد راجع به فرقه شیعه ۱۲ امامی تحقیق بکند باید ردیه های وهابيون و یا سایر فرق سنی را مطالعه کند بهر جهت من کتاب شما را سطر به سطر مورد بحث قرار خواهم داد و به خدمت شما میفرستم امیدوارم که مرکز اسناد انقلاب اسلامی جهت تنویر افکار عمومی و اوهام زدائی در ایران به چاپ آن اقدام بفرماید. ضمناً کتاب خدمت شما میفرستم که میتواند در کار تحقیقی بشما مدد برساند یکی «کنکاشی در بهائی ستیزی» در جواب «جستارهایی در بهائی گری» آقای شهبازی و دیگری «حقایق گفتنی» که در وقایع شاهرود و بهائی کشی در دوران محمد رضا شاه در ۶۳ سال قبل توسط یک نفر از مخالفان بهائیان در مجله پرچم به چاپ رسیده است.

بامید موفقیت برای شما

بهمن ۱۳۸۷

سهراب نیکو صفت